

مرکز مطالعات و تحقیقات
تعمیر و مرمت

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته

روابط بین الملل

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اخوان المسلمین

استاد راهنما

دکتر منوچهر محمدی

استاد مشاور

دکتر جواد یحیی‌خانی اسلامی

نگارنده

عباس خامه‌یار

سال تحویل

❖مقدمه :

- ضرورت بحث
- جایگاه و اهمیت دو جنبش اخوان المسلمین و شیعیان در جهان اسلام
- موقعیت ایران و مصر در جهان اسلام

فصل اول :

بحثی پیرامون بنیادگرایی

❖تعریف واژه‌های :

- بیداری اسلامی ، تجدید حیات اسلام ، احیاءگری و رستاخیز اسلامی
- بنیادگرایی یا اصولگرایی اسلامی

❖ ویژگیهای اصولگرایی :

- ۱- پایگاه مردمی و سرعت انتشار
- ۲- انقلابیگری و یا حالت جهادی
- ۳- جهانبینی اسلام جهانشمول
- ۴- ویژگی گسترش اسلام در درون اقشار گوناگون مردم

❖علل وعوامل رشد اصولگرایی :

- ۱- واکنش در مقابل فرهنگ غرب و غربگرایی
- ۲- انحطاط اخلاقی غرب
- ۳- بحرانهای جوامع اسلامی
- ۴- شکست اعراب در جنگ ۱۹۶۷
- ۵- عکس‌العمل در برابر بنیادگرایی رژیم صهیونیستی
- ۶- افول و شکست ایسمها ، مکتبها و ایدئولوژیهای وارداتی در جهان عرب
- ۷- یأس و ناامیدی نسل جوان از دستگاههای رسمی مذهبی
- ۸- خشونت رژیمهای سیاسی حاکم در سرکوب جنبشهای اسلامی
- ۹- گسترش احزاب چپ و گرایشات فکری ضد مذهبی در جهان عرب

۱۰ - پیروزی انقلاب اسلامی ایران

۱۱ - ماهیت اسلام

فصل دوم :

تاریخچه جمعیت اخوان المسلمین

*نگاهی به اوضاع جهان اسلام پیش و پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی

*شرایط سیاسی - اجتماعی پیدایش اخوان المسلمین

*تعریف جمعیت اخوان المسلمین

*تاریخچه اخوان المسلمین :

- مرحله اول : از ۱۹۲۹ تا ترور بنیانگذار جمعیت

- مرحله دوم : از ۱۹۴۹ تا پایان عهد ناصر (۱۹۷۰) - پیدایش و گسترش اندیشه‌های سیدقطب (پدیده قطبیسیم)

- مرحله سوم : از ۱۹۷۰ (آزادی اخوان المسلمین) تا ترور سادات و جانشینی حسنی مبارک

- مرحله چهارم : تحولات و دگرگونیهای جمعیت پس از جنگ دوم خلیج فارس

فصل سوم :

عوامل همگرایی و واگرایی

بخش اول : عوامل همگرایی

۱) اندیشه وحدت‌گرایانه دوجنبش

۲) دیدگاه مشترک از ناسیونالیسم

۳) مسئله فلسطین و آزادی قدس

بخش دوم : عوامل واگرایی در روابط میان دو جنبش

الف) عوامل فکری واگرایی :

۱ - حکومت و شکل آن از دیدگاه دوجنبش (مواضع اخوان المسلمین درباره خلافت اسلامی)

۲ - دیدگاههای متفاوت نسبت به دویلوك شرق و غرب

۳ - خط مشی اصلاح‌گرایانه و انقلابی

ب) عوامل سیاسی :

نگرانی از تفوق اندیشه سیاسی و رهبری دینی شیعی

الف - خیزش و قیام شیعیان در کشورهای اسلامی و مناطق شیعه نشین

ب - گرایش جوانان برخی از کشورها به مذهب تشیع و ایجاد هسته‌های تبلیغاتی شیعه‌گرایی

ج - برخوردها و درگیریهای مقطعی میان عده‌ای از وابستگان دوفرقه شیعه و سنی

د - نزاع سیاسی و درگیریهای خونین میان انقلابیان و گروههای مخالف ج ۱۰۱۰

ه - تهاجم وسیع تبلیغاتی رژیمهای عربی بر علیه انقلاب اسلامی ایران

- فصل چهارم :

- بررسی روابط بین اخوان المسلمین و انقلاب اسلامی ایران

- تاریخچه روابط بین دو جنبش پیش از انقلاب اسلامی

- موضعگیری اخوان نسبت به آغاز و پیروزی انقلاب اسلامی

- افول روابط بین اخوان و انقلاب :

۱ - دوگانگی در خط مشی دو گروه

۲ - فشار سیاسی - روانی رژیمهای عربی بر جنبش اخوان

۳ - تبدیل اختلافات ساده به درگیریهای مذهبی

مقدمه

امروزه " بنیادگرایی اسلامی " ، " اصولگرایی اسلامی " ، " خیزش اسلامی " ، " انقلاب اسلامی " ، " رادیکالیسم اسلامی " و ... عباراتی هستند که به طور فراوان در تمامی رسانه‌های گروهی و مطبوعات و نشریات خبری و تحلیلی سراسر جهان به کار می‌روند .

این واژه‌ها در برگیرنده مهمترین و درعین حال پیچیده‌ترین رویدادی است که جهان و منطقه را در دو دهه اخیر به خود مشغول کرده و هم اکنون نیز عامل اساسی و شاید مانع اساسی بیدایش " نظم نوین جهانی " مطلوب بازیگران زورمند دنیاست . به اعتقاد صاحب نظران ، هرگونه تغییر و تحولی در ساختار فعلی جهان و ترسیم آینده آن بدون در نظر گرفتن حالت " بنیادگرایی اسلامی " کاری عبث و بیهوده است ، چرا که امروز موج اسلامخواهی و خیزش مسلمانان بنیادگرا ، مرزهای کشورهای اسلامی را درنوردیده و حکمیتها را با خطر جدی و بی سابقه‌ای روبه‌رو ساخته است .

قیام مسلمانان در الجزایر ، تونس ، مراکش و رویارویی جدی آنان با رژیمهای متحد در " اتحادیه مغرب بزرگ عربی " ، پیروزی بنیادگرایی در اخراج روسها از افغانستان و برقراری حکومت توسط خود ، به قتل رساندن سادات در مصر ، به قدرت رسیدن اسلامخواهان در خارطوم باشیوه غیرمترقبه نظامی ، " انتفاضه " و تغییر شیوه مبارزه در سرزمینهای اشغالی ، آماده شدن اسلامگرایان در دو کشور یمن متحد و اردن برای یک رویارویی بزرگ و سرنوشت ساز ، اوجگیری قیام جدایی خواهان کشمیر ، مبارزه خونین استقلال طلبان مسلمان

یوگسلاوی سابق و جمهوریهای آسیای میانه و دهها حادثه دیگر را نمی‌توان به سادگویی از نظر دورداشت و آن را نادیده گرفت .

اگر دستاورد فعلی این خیزش بزرگ به بزرگی جنبش نیست ، به دلیل وجود طیفهای گوناگون و گرایشات متعدد سیاسی ، مذهبی و فرهنگی و آفات دیگری است که گریبانگی این پدیده است .

بنابراین در بررسی و ریشه‌یابی علل و عوامل این رویداد فراگیر به هیچ وجه نباید عامل‌گرایی مذهبی و به عبارت دیگر وجود دو مکتب تشیع و تسنن را از ذهن دور داشت . در نتیجه نمی‌بایست " جنبش اخوان المسلمین " که مادر و مدرسه جنبشهای بنیادگرایانسه اهل سنت است و نیز " انقلاب اسلامی ایران " که اوج بنیادگرایی و خیزش اسلامی و میسوه رسیده جنبشهای شیعی است را در نظر نگرفت .

بی‌شک چگونگی روابط این دو جریان عظیم مردمی و بزرگ ، تاثیرات بسزایی بر روند و سیر بنیادگرایی داشته و برای آینده نیز سرنوشت ساز و تعیین کننده است . به عبارت دیگر هماهنگی یا عدم هماهنگی (همگرایی و واگرایی) این دو نیرو که در واقع تحقیق وحدت نسبی بیین طرفداران دو مذهب است ، در معادلات سیاسی آینده جهان اسلام و حتی در چگونگی ساختار نظام نوین بین‌المللی تعیین کننده می‌باشد . به نظر می‌رسد پس از گذشت بیش از یک دهه از پیروزی بنیادگرایی شیعه در ایران و اوجگیری بنیادگرایی سنی در کشورهای غربی هنوز این روابط مورد مطالعه جدی و ارزیابی دقیق قرار نگرفته است .

اهمیت نگرش به روابط این دو جریان اصولگرا ، با نگاهی به دو کشور ایران که مهد تاریخی جنبشهای شیعه و زادگاه انقلاب اسلامی است و مصر که زادگاه سنتی جنبش اخوان المسلمین است بهتر درک می‌شود چرا که :

۱ - ایران و مصر دو کشور بزرگ با سابقه دیرینه فرهنگی و تمدن کهن باستان و نیز با

کمیت دیکتاتوری چند هزار ساله‌اند .

۲ - دو کشور از نظر دیموکراسی و پشتوانه جمعیتی برای دو مذهب شیعه و سنی اهمیت

دارند .

۳- هر دو کشور دارای وضعیت جغرافیایی و موقعیت استراتژیک و سوق الجیشی خاصی

• هستند

۴- دو کشور از نظر پایگاههای مذهبی و وجود حوزه‌های علمیه شیعه در قم و مشهد و

دانشگاههای مذهبی تسنن (الازهر) اهمیت دارند •

با توجه به موارد فوق و اهمیت این دو جنبش در زنجیره جنبشهای بنیادگرایی معاصر

موضوع روابط اخوان المسلمین و جمهوری اسلامی ایران " را در فاصله زمانی ۱۹۷۹ تا جنگ

خلیج فارس را انتخاب کرده ایم • به دلیل گستردگی بحث ، این روابط را از زمان پیروزی

انقلاب اسلامی ایران بررسی می‌کنیم و به قبل از آن تنها اشاراتی خواهیم داشت •

اما پیش از آن ، نگرش به تاریخچه اخوان المسلمن و مراحل مختلف تحولات آن ضروری

• است

بستر مناسب برای بسط این موضوع ، " اهمیت دو کشور ایران و مصر " و بررسی

روابط میان دو جنبش فوق‌الذکر است •

سپس لازم است " بنیادگرایی : به عنوان مسأله‌ی محوری در این بررسی ، مورد

ارزیابی و بحث قرار گیرد •

ضرورت و اهمیت بحث :

نگرش و تحقیق پیرامون رابطه میان دو جریان اصولگرایی معاصر یعنی انقلاب اسلامی

ایران و جنبش اخوان المسلمین مصر از این نظر حائز اهمیت است که این دو گرایش در

کشورهایی رشد و توسعه یافته اند که دارای ویژگیها و مشترکات فراوانی هستند • ایران ، مهد

تاریخی جنبشهای شیعی و زادگاه بزرگترین انقلاب اسلامی معاصر و مصر پایگاه

بزرگ تسنن و زادگاه سنتی و طبیعی جنبش اخوان المسلمین است •

این دو کشور بزرگ به دلیل داشتن سابقه دیرینه فرهنگی و تمدن کهن باستانی و

سیطره حاکمیت‌های دیکتاتوری چند هزار ساله ، وابستگی شدید به غرب ، بوروکراسی ، فساد

اداری و اجتماعی ، بحران اقتصادی ، مهاجرت روستاییان به شهرها و نهایتاً " مرکزیت آن دو

کشور در قلب جهان اسلام ، بستر مناسبی برای رشد و گسترش جنبش اسلامی بوده اند •

افزون بر آن دو کشور ایران و مصر دارای ویژگیهای فوق العاده‌ای هستند که بر نقش آنها در این مورد افزوده است هر بدین ترتیب بسیاری از نویسندگان بر این عقیده‌اند که ملت مصر بیش از سایر ملل مشرق زمین به این پایبندند، به طوری که دین در تاریخ این ملت همواره نقش ویژه‌ای ایفا کرده است. (۱) لذا عموم ملت مصر با بنیادگرایی اسلامی همفکر و همعقیده‌اند. گذشته از آن وابستگی عاطفی مردم مصر به دین است چنانچه اگر کسی از مصر دیدن کند بیش از هر سخن دیگر کلمه " حرام " به سمع او می‌رسد. (۲)

" به اعتقاد اخوان المسلمین رابطه مصر و اسلام يك رابطه ویژه و منحصر به فرد است. به نظر آنان، از آغاز تاریخ اسلام به این سو سرنوشت مصر الزاما " به سرنوشت مسلمین پیوند زده شده است. مصر به عنوان قدیمیترین مرکز تمدنهای بشری، چه از جنبه تاریخی و چه از لحاظ منطقی به صورت مطمئنترین مکان برای پایگاه اسلام درآمد. به عقیده اخوان المسلمین در دوره انحطاط امپراتوری اعراب تنها مصر بود که پرچم اسلام را به اهتزاز درآورد زیرا اسلام نه تنها در روح و ضمیر مصریان ریشه دواند، بلکه ایمان و زیان و تمدن مصر را تشکیل داد. به همین دلیل مصر نقش ویژه‌ای در زنده نگه داشتن اسلام داشته است" (۳)

از دیگر نشانه‌ها و واقعیت‌های بارز و انکارناپذیر مصر، استعداد و شایستگی بی‌شائبه مردم این کشور در همفکری و همبستگی با جنبش اسلامی است. این امر شاید به دلیل سرشت ملت مصر باشد که به دلیل داشتن پیوند عاطفی شدید با اسلام به سرعت با جنبش اسلامی همصدا و همراه می‌شوند. (۴) از سوی دیگر وجود " دانشگاه الازهر " با چند صد سال سابقه درخشان تاریخی و نقش آن در امر آموزش و تربیت کادرهای اسلامی و اعزام مبلغان مذهبی به کشورهای مختلف و پذیرش دانشجویان و داوطلبان تحصیل معارف اسلامی از سراسر گیتی اهمیت، نقش و تأثیرپذیری این کشور را دو چندان کرده است.

(این ویژگیها در مورد کشور ایران نیز صادق است با توجه به اینکه تقید ایرانیان به اسلام و نیز وجود حوزه‌های بزرگ علوم دینی تشیع در شهرهای قم و مشهد بر اهمیت آن افزوده است.) علاوه بر اینکه اکثریت قریب به اتفاق مردم مصر به مذهب

شافعی (۸) گرایش دارند که نزدیکترین مذهب به شیعه اثناعشری است و همین باعث شده است تا مردم مصر از یکپارچگی مذهبی خوبی برخوردار باشند. در واقع این کشور فاقد هرگونه اختلافات مذهبی میان فرق اسلامی است. این ویژگی، مصر و دیگر کشورهای شمال آفریقا را از دیگر کشورهای اسلامی سنی مذهب متمایز می‌سازد.

احترام خاص و زاید الوصف مصریان به امامان شیعه و بزرگداشت خاطرهِ ولادت و شهادت " خاندان اهل بیت که انسانهای کریمی هستند و جدشان برترین انسانها و سرور شفاعت کنندگان است " (۵) در مقایسه با دیگر کشورهای عرب بی‌نظیر است " عشق و علاقه مصریان نسبت به اهل بیت "ع" معروف است و در ادبیات، اشعار، داستانها، مدیحه‌سراییها و فرهنگ ملت مصر به ثبت رسیده است. ترانه‌هایی که از سرشوق و بی‌اختیار سروده می‌شود زاینده عشق و علاقه خاص مصریان به خاندان شریف سرور بشریت است " (۶) " مقامات مصری هنوز هم همه ساله به مناسبت برگزاری جشن میلاد پیامبر اکرم " ص " حالت فوق‌العاده اعلام می‌کنند تا اجتماع دو تا سه میلیون شرکت کنندگان در مراسم بارگاه " راءس‌الحسین " را کنترل کنند " (۷) ، " قاهره در مراسم سالگرد تولد (حضرت) زهرا " س " شیعه شود " (۸) روز عاشورا نیز نزد ملت مصر از " ایام الله " و روز نجات و جهاد " به شمار می‌رود که " بایستی با حروف نورانی بر لوحهای طلایی نگاشته شود " (۹) اضافه بر این روحانیان و علمای دینی مصر همواره بر " ضرورت اقتدا به حسین بن علی و تاءسی به زینب کبرا " علیهم‌السّلام " و ابراز انزجار نسبت به ظلم و ستم یزید " تاکید می‌کنند " (۱۰) " وجود بارگاه " راءس‌الحسین " و " آرامگاه حضرت زینب " با بناهای عظیم و بسیار مجلل که زیارتگاه و پناهگاه همیشه ملت است، از دیگر ویژگیهایی است که مصریان را به شیعیان بسیار نزدیک کرده است.

يك نویسنده مصری می‌گوید: " به ندرت ملاحظه می‌کنید که فرد مصری به قاهره برود، اما مساجد امام حسین و بانو زینب و بانو سکینه و بانو نفیسه را زیارت نکند، اینها سادات و حامیان قاهره‌اند که قلبهای میلیونها مشتاق به سوی این مراکز پناه می‌برند " . همین نویسنده اضافه می‌کند: " شاید موقعیت خاصی که اهل بیت در پایتخت مصر کسب

کرده‌اند سبب شده است تا استوانه‌های بزرگ تصوف از این شهر منصرف شوند و به دنبال پایگاه‌های دیگری بگردند تا بتوانند به اهداف و امیالشان برسند. تعدادی از این صوفی‌مسلمانان به اسکندریه رفته و تعداد دیگری به شهرهای طنطاود، سوق و قنا کوچ کردند. در قاهره هیچکدام از رهبران فرقه صوفیه نمی‌تواند بر سر زعامت این شهر با خاندان اهل بیت به رقابت برخیزد.

شاید ارتباط مصریان با خاندان اهل بیت بازتاب عبارتی باشد که در زمستان ۱۹۷۴ از امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان در ابوظبی شنیده‌ام. وی در این دیدار که پیرامون عشق و علاقه مصریان نسبت به خاندان اهل بیت بحث می‌کرد، به من گفت: "به نظر من، شما مصریان نیمه شیعه هستید." امام موسی صدر با این عبارت، واقعیت را صادقانه ترسیم کرد (۱۱)

با چنین زمینه‌ای بود که شیخ محمود شلتوت علامه بزرگ مصر و رئیس الازهر برای نخستین بار فتوای تاریخی را صادر کرد. شیخ شلتوت در فتوایش مذهب شیعه امامیه و اثناعشریه را یکی از مذاهب معتبر اسلامی معرفی نمود و عمل به احکام و فرامین اسلامی را بر اساس اصول فقه این مذهب جایز دانست. وی در این فتوای تاریخی از قاطبه مسلمانان خواست از تعصبات فرقه‌ای بپرهیزند (۱۲).

"واقعیت این است که ساختار اجتماعی مصر، ساختاری ساده بدون هرگونه پیچیدگی است و هیچ تناقض اعتقادی یا گرایش فرقه‌گرایانه‌ای در آن دیده نمی‌شود. استقرار عقیدتی در ساختار کشور مصر از عوامل اساسی بیداری جنبش اسلامی و ثبات آن به شمار می‌رود. جنبش اسلامی در مصر جنبشی با گرایش سنی است بدون آنکه در آن هرگونه رقابت مذهبی دیگری وجود داشته باشد. به عبارت دیگر فاقد هرگونه درگیری مذهبی است. این امر یکی از شاخصه‌های بارز این جامعه به شمار می‌آید. بدیهی است که درگیری مذهبی مانع بزرگی در راه تشکل، سازماندهی و ثبات هر حرکتی در طول مراحل مبارزه، چه پیش از پیروزی و چه بعد از آن خواهد بود." (۱۳)

این نظریه برملت ایران نیز منطبق است کشور ایران علی‌رغم داشتن اقلیت‌های سنی

از نظر مذهبی یکپارچگی کاملی دارد . تحول فکری و طرح مسئله وحدت شیعه و سنی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آمده است ، هرگونه حساسیتهای مذهبی و فرقه گرایانه را برطرف ساخته است و اینک مذهب علی‌رغم نقشه‌های تفرقه افکنانه و خائنانه بیگانگان به عنوان عامل تکامل و همکاری جلوه کرده است .

بدین ترتیب اهمیت دوکشور ایران و مصر را می‌توان چنین برشمرد :

***اهمیت دوکشور از نظر دیموگرافی و پشتوانه جمعیتی برای دو مذهب شیعه و سنی :**

دوکشور از نظر دیموگرافی و پشتوانه جمعیتی برای دو مذهب شیعه و سنی و ابعاد تاثیرگذاری و نقشی که می‌توانند در جهان اسلام بازی کنند حائز اهمیت بسیار می‌باشند . مصر با داشتن بزرگترین جمعیت سنی جهان عرب با خصوصیات و شاخصه‌های کارآمد، پشتوانه محکمی برای اعراب به شمار می‌رود . ایران نیز با جمعیت انبوه ، کاردان و انقلابی پشتوانه‌ای قوی برای شیعیان دیگر کشورهای منطقه است .

یک نویسنده مصری که در مسایل ایران ماحینظر است ، ویژگیها و شاخصه‌های ایران اسلامی و عوامل مشترك در روابط فی‌مابین این کشور با جهان عرب و بویژه مصر را چنین معرفی می‌کند :

" ایران از نظر پژوهشهای سیاسی و مطالعات استراتژیک ، یکی از اضلاع سه‌گانه مثلثی را تشکیل می‌دهد که آنجا نقطه و محور تمرکز خاورمیانه است و به عبارتی مرکز ثقل این مثلث به حساب می‌آید . دو ضلع دیگر این مثلث را مصر و ترکیه تشکیل می‌دهند که از نظر جمعیت و وسعت قلمرو ، بزرگترین کشورهای منطقه هستند . هر کدام از این کشورها علاوه بر داشتن جمعیت پنجاه میلیونی از ویژگیهای استراتژیک بخصوصی نیز بهره‌مندند ." این نویسنده اضافه می‌کند :

" کشور ایران ، کشوری مسلمان ، برادر و اصیل است که با مردمش روابط برادرانه دینی مشترکی داریم لیکن برخی افراد و جریانات ، این ارزش را سبک می‌پندارند و یا سعی می‌کنند از شأن آن بکاهند . ولی ما از نظر استراتژیکی این روابط مشترك را در اولویت

قرار می‌دهیم، چرا که ایران عمق استراتژیکی و پشتوانهٔ محکم همیشگی و سرمایه بزرگد انسانی ما را تشکیل می‌دهد. " (۱۴)

"موقعیت استراتژیکی کشورهای ایران و مصر در منطقه"

همین نویسنده ضمن اشاره به موقعیت جغرافیایی و وضعیت انسانی کشورهای ایران و مصر در خاورمیانه و خلیج فارس، وجود شیعیان فراوان در کشورهای مجاور ایران و نیـــــــز حضور انبوه مصریان در کشورهای منطقه، عوامل دیگری را نیز بیان می‌کند:

* همانگونه که کشور سودان دروازه جهان عرب به سوی قاره آفریقا به شمار می‌رفت ایران نیز از نظر تاریخی دروازه شرقی جهان عرب به سوی قاره آسیا بوده. افزون بر آن، ایران در گذشته پل ارتباطی میان شرق و غرب را تشکیل می‌داده و به‌صطحاظ قرار گرفتن در بزرگراه معروف "جادهٔ ابریشم" کالاهای بازرگانی بین‌المللی از این مسیر حمل و نقل می‌شده است. از سوی دیگر ارتفاعات و ناهمواریهای متعدد ایران در آن سوی جبهه شرقی جهان عرب، همواره مهمترین و شاخصترین مدافع و پشتیبان اعراب بوده و نقش دژی مستحکم را در مقابل نفوذ دشمنان ایفا می‌کرده است.

* ایران به دلیل موقعیتش در جنوب اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و داشتن مرزهای طولانی با جمهوریهای استقلال یافته ازبکستان، قزاقستان و آذربایجان (با اکثریت شیعه) توانسته است کمربند اسلامی بزرگی را تشکیل دهد. همین امر موجب شده است که دو ابر-قدرت جهانی به این کشور چشم بدوزند و هرآنچه در این کشور روی می‌دهد از نظر آنها پنهان نماند و هر دو (آمریکایی‌ها و روسها) با دید خاصی به ایران بنگرند. بنابراین کشور ایران اهمیت ویژه‌ای در طرحها و برنامه‌های ابرقدرتها کسب کرده است.

* اهمیت استراتژیکی، ابعاد فرهنگی و حجم جمعیتی ایران موجب شده است تا نقش تاریخی آن در منطقه از حدود جغرافیایییش فراتر رود. و چون ایران از نظر تاریخی هیچ‌گاه در لاک چارچوب مرزهای طبیعییش فرو نرفته است، قطعا "تاثیرگذاریش از طرف شمال و شرق تا عمق قاره آسیا امتداد داشته است. از طرف جنوب و غرب نیز تا عمق خاورمیانه و

درون جوامع عربی گسترش یافته است . این حرکت با فراز و نشیبهایش همواره درآین دو محور ملت‌پسند ادامه داشته است . (۱۵)

از سوی دیگر کشور مصر نیز به عنوان راهبر امت عرب دارای همان شاخصه‌هاست . " پیشگامی مصر در میادین مختلف از بدو پیدایش دولت نوین در دوران محمدعلی پاشا ، موقعیت این کشور را در جهان عرب بیش از پیش مستحکم ساخته است ، زیرا رستاخیز فرهنگی و گسترش آموزش و پرورش و توسعه مؤسسات نوین صنعتی (طبق گفته طهطاوی) ابتدا از مصر شروع شده است . از بدو پیدایش اتحادیه عرب در سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۷۷ (سال امضای معاهده کمپ دیوید) مصر به نقش پیشتاز و پیشگام در امر رهبری جهان عرب افزوده است . این درحالی است که این نقش در سالهای (۱۹۷۷-۱۹۸۷) موقتا " افول کرده است . بی شک دولت پیشتاز به معنی جامعه نمونه و الگو در دیدگاهها و عملکردها و دستاوردهاست . " (۱۶)

نویسنده دیگری در اهمیت مصر چنین می‌نویسد : " مصر تنها دروازه واقعی نه فقط برای تسلط جهان بر مناطق عربی بلکه بر گوشه گوشه دریای مدیترانه است ، اسکندر ، امپراتور ریش را از مصر آغاز کرد ، قیصر تنها پس از سلطه بر مصر توانست رم را به درجه امپراتوری برساند ، سلیم اول تنها پس از فتح مصر ، برای ترکیه ارزش قائل شد ، ناپلئون در صدد شکست بریتانیا در مصر بود ، امپراتوری جهانی بریتانیا تنها پس از اشغال مصر تحقق یافت و تنها ، هنگام ترک این کشور ستاره‌اش به افول گرایید ، فرانسه و بریتانیا تنها پس از شکست ۱۹۵۶ در سواحل کانال سوئز از ابرقدرتی جهان کنار گذاشته شدند ، تنها در مصر است که مثلث جمعیت انبوه ، تمدن پیشرفته و موقعیت استراتژیک بی‌مانند تشکیل می‌شود " (۱۷)

اهمیت این بحث در این نکته بسیار مهم نهفته است که اصولاً مصر " عمیق استراتژیک " انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود . نظر به اهمیت موضوع ، مطلب را با نقل بخشهایی از سخنرانی دکتر فهمی الشناوی - شخصیت مصری هوادار انقلاب اسلامی تحت عنوان " اهمیت مصر برای انقلاب ایران " که در انستیتوی اسلامی لندن در سال

۱۹۸۴ ایراد شده است ، خاتمه می دهیم .

وی می گوید :

" رهاندن انقلاب (ایران) از محاصره کنونی ، مستلزم شنا در اقیانوس عربی و جذب جنبش اسلامی - عربی با عملیات تاکتیکی است ، که این خود به سود ایران ، اعراب و اسلام است . چرا که تصور امکان وجود جنبش اسلامی جهانی بدون اعراب تصویری بس دشوار است . اعراب ظرف اولیه چنین جنبشی هستند ، چرا که زبان آنان زبان قرآن کریم است و پیامبر اسلام نیز از اعراب است ، لذا امکان پرش از مرزهای ایران بدون جذب اندیشه عرب غیرممکن است و مکانیزم شکستن محاصره اعراب و مکانیزم شنا در اقیانوس عرب (تنها) از مصر آغاز می شود .

این امر نه تنها به دلیل اهمیت مصر در میان اعراب ، بلکه به جهت اهمیت استراتژیکی مصر در معادلات بین المللی است و به این علت که با رام شدن مصر ، اعراب نیز رام می شوند . اصولا توفیق در جذب مصر آسانتر از پیروزی در جنگ فعلی (ایران و عراق) است که تمامی طاغوتیان جهان از آن حمایت می کنند . و محاصره نیروهای طاغوت جز از طریق مصر امکان پذیر نیست . و بالاخره جذب مصر پرسودتر ، پردوامتر و عمیقتر از هرگونه پیروزی بر عراق است ، چرا که مصر هیچ گاه با اسلام فاصله نداشته است ، این احساس شهروند مصری است که شاید هیچ حاکم و حزب و رسانه ای قادر به بازگ کردن آن نیست .

و این دانه های انقلاب اسلامی است که باعث بر باد دادن سرهای حسن البنا ، سیّد قطب ، مصطفی شکری ، اسلامبولی و سرب و دهها شخص دیگر و باعث بازداشت شصت هزار نفر بین سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۰ شده است " .

نویسنده مزبور ادامه می دهد : " مصر هیچ گاه از ایران دور نبوده است ، چنانچه در روزگار انقلاب مصدق وجه هنگام دعوت شلتوت (شیخ الازهر) به رسمی کردن مذهب تشیع همانند دیگر مذاهب اسلامی " وی آنگاه با استدلال و ارائه نمونه های تاریخی نتیجه می گیرد که :

" سرنوشت انقلاب ایران ، در مصر ورق خواهد خورد ، همان گونه که سرنوشت دولت

رم و سپس دولت عثمانی و آنگاه امپراتوری بریتانیا و همچنانکه سرنوشت امپراتوری اسرائیل در مصر ورق خواهد خورد ..."

نویسنده ضمن هشدار می‌افزاید :

" هم اکنون اسرائیل در صدد اعمال سلطه بر خاورمیانه و آفریقا از راه مصر و درآینده در اندیشه به زانو درآوردن خود اروپا از این طریق است ."

و روزی انقلاب اسلامی ایران با همین سؤال مواجه خواهد شد و با آزمونی رو به رو خواهد شد که بایستی پاسخگو باشد : آیا با رضایت در مصر به پیروزی می‌رسد که آنگاه غلبه از آن او خواهد بود و به صورت يك قدرت جهانی به پیش می‌رود ، یا اینکه مصر را از دست می‌دهد که در این صورت همچنان در محاصره باقی خواهد ماند و گاهی انقلاب در صرف تفکر تشیع خلاصه می‌شود و گاهی انقلابی از نوع " ایرانی " قلمداد می‌شود " .
و بالاخره نویسنده نتیجه می‌گیرد که :

" نقشه‌ها و آرزوهای اسرائیل در مصر می‌بایست انقلاب ایران را به پیش روی (در مصر) تحریک ، تشویق و وادار سازد و نه به عقب نشینی ..."

روابط تفاهم آمیز بین مصر و انقلاب اسلامی در حقیقت عملیات نجات آمیزی است که به سود مصر ، اعراب ، انقلاب اسلامی و به سود انسانیت و به سود مفاهیم خیر و فضیلت است . و مهمتر اینکه روابط تفاهم آمیز هم اینک و پس از نقشه‌های توسعه طلبانه اسرائیل تبدیل به يك اقدام مقدس شده است مسئولیت انقلاب اسلامی ایران به دلیل درک و آگاهی مسوولان آن بیشتر از مسؤلیت مصر و دیگر اعراب است و غرب خطر این آگاهی را درک می‌کند ... نادیده انگاشتن هواداری مردمی (مصریان) از انقلاب اسلامی ایران زبانی بس بزرگ و غیرقابل جبران است . (۱۸)